Vol. 13 | No. 3368 | Wed. Jul 22. 2026 | چهارشنبه ۳۱ تیر ۱۴۰۵ | ۷ صفر ۱۴۴۸ | سال سیزدهم | شماره ۳۳۶۸ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

دلار	یورو	تمام‌سکه	شاخص بورس
--	--	--	--

انتقاد رییس جمهور از اظهارنظرهای غیرکارشناسی درباره مذاکرات

دستگاه دیپلماسی هرگز از حقوق ملت ایران کوتاه نخواهد آمد

صفحه ۲

روایت بحران پنهان زنجیره تأمین دارو

کمبود دارو زخمی که عمیق‌تر می‌شود

صفحه ۸

فعالان صنعت: هزینه خطاهای سیاست‌گذاری را تولیدکنندگان می‌پردازند

برداشت‌های نادرست از صنعت

تعادل | ناترازی انرژی، تصمیم‌گیری‌های غیرتخصصی، بروکراسی پیچیده، ناهماهنگی سامانه‌های اجرایی، افزایش هزینه‌های تولید و ضعف هماهنگی در پیگیری مطالبات، امروز به مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی بخش تولید و معدن کشور تبدیل شده‌اند؛ چالش‌هایی که به‌اعتقاد فعالان اقتصادی، ریشه بسیاری از آنها در سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر برداشت‌های نادرست از واقعیت‌های تولید قرار دارد. به باور آنان، تا زمانی که تصمیم‌گیری‌ها بر پایه آمار و مطالعات کارشناسی انجام نشود و صدای بخش خصوصی به‌صورت منسجم و هماهنگ به نهادهای تصمیم‌گیر نرسد، نمی‌توان انتظار داشت مشکلات ساختاری تولید و سرمایه‌گذاری برطرف شود. فعالان بخش خصوصی همچنین تأکید دارند که هزینه واقعی خاموشی‌ها تنها توقف خطوط تولید نیست، بلکه فرسودگی تجهیزات، از بین رفتن مواد اولیه، افزایش هزینه تمام‌شده محصولات، کاهش قدرت رقابت بنگاه‌ها و تضعیف امنیت سرمایه‌گذاری را نیز به دنبال دارد. از همین رو، تقویت نقش کارشناسی اتاق‌های بازرگانی، هم‌افزایی میان استان‌ها، تدوین مطالبات مشترک و ارایه گزارش‌های مستند و پژوهش‌محور، از مهم‌ترین راهکارهایی عنوان شد که می‌تواند زمینه اصلاح سیاست‌گذاری‌ها و بهبود فضای کسب‌وکار را فراهم کند. در نشست مشترک کمیسیون‌های تخصصی صنعت و معدن اتاق ایران و اتاق‌های بازرگانی استان‌ها، فعالان اقتصادی بر ضرورت ایجاد سازوکاری...

صفحه ۷ را بخوانید

«تعادل» روند معاملات بازارهای مالی دنیا را بررسی می‌کند

چرخش نقدینگی در بورس‌های دنیا

بازارهای مالی جهان در تابستان با یک دوره گذار چندبعدی مواجه شده‌اند. از یک سو، رالی صعودی شگفت‌انگیز و نفسگیر غول‌های فناوری دنیا که در دو سال گذشته تحت تأثیر تب هوش مصنوعی به راه افتاده بود، نشانه‌های واضحی از فرسودگی و اشباع خرید را به نمایش گذاشته است. از سوی دیگر، فوران ناگهانی تنش‌های ژئوپلیتیک میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه، محاسبات معامله‌گران در بازارهای کامودیتی و بورس‌های استراتژیک خلیج فارس را با چالش مواجه کرده است. در این میان، یک کلان‌روند جدید در حال شکل‌گیری است: «گردش سرمایه از بخش‌های پرریسک و متورم فناوری به سمت بازارهای سنتی، ارزان‌قیمت و عقب‌مانده». این گزارش به بررسی ابعاد مختلف این چرخش بزرگ، از بورس‌های آسیای جنوب شرقی تا تالارهای معاملاتی وال استریت و بازارهای مالی امارات متحده عربی می‌پردازد.

◀ خستگی غول‌های تراشه‌ساز

تایوان و کره جنوبی برای ماه‌ها به عنوان گنجینه‌های بدون رقیب بازارهای مالی آسیا شناخته می‌شدند. تقاضای سیری‌ناپذیر جهانی برای پردازنده‌های گرافیکی پیشرفته و حافظه‌های با پهنای باند بالا (HBM)، بورس تایپه و سئول را به رکوردهای تاریخی رساند. اما اکنون واقعیت‌های اقتصادی بار دیگر خود را تحمیل می‌کنند. سرمایه‌گذاران نهادی با نگاهی به نسبت‌های نجومی قیمت به سود (P/E) شرکت‌های بزرگی چون TSMC و سامسونگ الکترونیکس، به این نتیجه رسیده‌اند که بخش زیادی از چشم‌انداز رشد سال‌های آینده، پیش از این در قیمت‌ها پیش‌خور شده است. «دیوید چائو»، استراتژیست ارشد بازار جهانی آسیا و اقیانوسیه در موسسه بین‌المللی «اینوسکو» (Invesco) در سنگاپور، تغییر استراتژی این هلدینگ را اینگونه توضیح می‌دهد: «توالی صعودی سهام مرتبط با فناوری‌های نوین ما را بر آن داشت تا بخشی از سودهای شناسایی‌شده خود در بازار کره جنوبی را برداشت و نقد کنیم. در مقابل، این جریان نقدینگی را به سمت بازارهای جذابی هدایت کردیم که در ماه‌های گذشته به‌شدت زیر ارزش واقعی خود معامله می‌شدند؛ از جمله اندونزی. اندونزی در حال حاضر احتمالا یکی از کم‌توجه‌ترین و بکرترین بازارهای رشد کلان در جهان است.» این تغییر رویکرد ناشی از نیاز مبرم صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک و صندوق‌های بازنشستگی بزرگ برای «متعادل‌سازی سبد دارایی» (Rebalancing) است. زمانی که ارزش یک بخش از پورتفوی (مانند تکنولوژی) به شکلی نامتناسب رشد می‌کند، مدیران ریسک موظفند با فروش بخشی از آن و خرید دارایی‌های ارزان‌تر در صنایع دیگر، ریسک کلی سبد را مدیریت کنند. این دقیقاً همان کاتالیزوری است که نقدینگی را از شرق آسیا به سمت جنوب شرقی هدایت می‌کند.

◀ بازگشت سرمایه‌ها

اندونزی، با دارا بودن بزرگ‌ترین اقتصاد در منطقه جنوب شرقی آسیا و جمعیتی پویا، سال سختی را در بازارهای مالی پشت سر گذاشت. خروج سنگین و مداوم بیش از ۴ میلیارد دلار سرمایه خارجی از ابتدای سال، بورس جاکارتا (JKSE) را با افت شدید ۲۸ درصدی روبرو کرد تا عنوان بدترین بازار سهام بزرگ آسیا را به خود اختصاص دهد. نگرانی‌ها پیرامون انضباط مالی دولت جدید، کسری بودجه احتمالی و تهدید جدی ارایه‌دهنده شاخص‌های جهانی (MSCI) مبنی بر کاهش رتبه اعتباری این کشور، هراسی جمعی میان سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد کرده بود. شاخص بورس جاکارتا تنها در ماه جولای بیش از ۱۰ درصد رشد را ثبت کرده است که نشان‌دهنده چرخش ۱۸۰ درجه‌ای احساسات بازار است. «آنیندا میترا»، رییس استراتژی کلان و سرمایه‌گذاری آسیا در موسسه مالی معتبر BNY Investments، این بازگشت را ناشی از تخلیه حباب منفی می‌داند: «تقریباً تمامی سناریوهای تاریک و اخبار منفی پیش از این در قیمت سهام اندونزی منعکس و مستهلک شده بود. اکنون که روپیه اندونزی نشانه‌هایی از ثبات را در برابر دلار نشان می‌دهد، زمان آن رسیده که به صورت گزینشی و پله‌ای، دارایی‌های باکیفیت این بازار را به سبد سرمایه‌گذاری خود اضافه کنیم.» «روری کوتیسکر-جاکوبسون»، مدیر پرتفوی آلن گری، در این خصوص تشریح می‌کند: «بر اساس تحلیل‌های بنیادی ما، سهام این شرکت با نسبت قیمت به درآمد (P/E) کمی بیش از ۵ مرتبه معامله می‌شد. برای شرکتی که جریان نقدینگی فوق‌العاده قوی دارد، عملاً رقیب جدی در بازار مصرفی ندارد و تحت تأثیر بحران‌های تکنولوژی قرار نمی‌گیرد، این یک قیمت استثنایی و فرصتی بی‌نظیر برای سرمایه‌گذاری میان‌مدت است.» علاوه بر بخش مصرفی، بانک‌های بزرگ و هلدینگ‌های معدنی اندونزی نیز مجدداً در کانون توجه قرار گرفته‌اند. موسسه مالی سیتی‌بانک (Citibank) در گزارش اخیر خود اعلام کرده است که در جلسات فشرده با مشتریان خود در هنگ‌کنگ و تایلند، تمایل بسیار بالایی برای خرید سهام بانک Central Asia و شرکت‌های فعال در حوزه مواد اولیه نظیر Amman Mineral International مشاهده شده است. تأیید مجدد رتبه اعتباری اندونزی توسط موسسه اعتبارسنجی S&P با چشم‌انداز پایدار و انتظار برای ابقای این کشور در شاخص بازارهای نوظهور MSCI در نوامبر آینده، مهر تأییدی بر پایان دوره سقوط بورس جاکارتا بود.

◀ جنگ سایه‌ها و دیپلماسی نفت

در حالی که بازارهای شرق آسیا درگیر جابه‌جایی‌های تکنیکال نقدینگی هستند، بازارهای انرژی و بورس‌های خاورمیانه مستقیماً تحت تأثیر تنش‌های نظامی شدید میان ایالات متحده و ایران قرار گرفته‌اند. پس از اعلام لغو یک جانبه آتش‌بس غیررسمی توسط دونالد ترامپ و انتشار پیام تند او در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» مبنی بر انتقام‌جویی سخت از تهران به خاطر کشته شدن سه سرباز امریکایی، شعله‌های تنش بار دیگر بالا گرفت.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت-۱

ضرورت‌های دوران جنگ الزامات دوران بازسازی

علی شریعتی

باید قبول کنیم، دولت چهاردهم در بزنگاه‌های حساس اخیر گام‌های مثبتی برای عبور از بحران برداشته است. هر چند این تصمیمات اصلاحی مناسب هستند اما برای دوران پساجنگ و عبور از «تحریم‌های داخلی» و «امضاهای طلایی»، نیازمند تغییر پارادایم در تصمیم‌سازی‌های اقتصادی هستیم، تغییری که مانع از تکرار مشکلاتی چون نارسایی‌های ساختاری نظیر «بیماری هلندی» شود و کشور را با سرعت به سمت توسعه و بازار آزاد هدایت کند.

امروز در حالی که کشور درگیر فشارهای فزاینده اقتصادی ناشی از وضعیت جنگی و محاصره‌های بین‌المللی است، پرسش اساسی این است که نظام تصمیم‌سازی‌های اقتصادی در بخش‌های تجاری، بودجه‌ای و مالیاتی چه نوع انعطافی باید از خود نشان دهد تا بتوان از این گردنه سخت عبور کرد؟

به هر حال کارهایی توسط تیم اقتصادی دولت چهاردهم و نظام تصمیم‌سازی‌های کشور در این دوران انجام شده که قابل دفاع است. برای نمونه، تغییر سیاست درخصوص برگشت ارز صادراتی که از ۷۰ درصد به ۶۰ درصد حجم ارزهای صادراتی کاهش یافت، در اوج شرایط جنگی تصمیمی هوشمندانه برای حمایت از صادرکنندگان بود.

همچنین در زمینه ارزش‌گذاری کالاهای وارداتی در شرایط جنگی یا انعطاف در تامین مواد اولیه پتروشیمی و کالاهای اساسی، دولت رویکردهای عمل‌گرایانه‌ای را اتخاذ کرد که نشان‌دهنده درک شرایط حساس فعلی است.

دولت در برابر مافیای حوزه‌های گوناگون ایستاده و تصمیمات اقتصادی را به نفع مردم و تولیدکنندگان واقعی گرفته است.

اقداماتی نظیر لغو ممنوعیت واردات برنج که پیش از این به بهانه‌های واهی کشت داخلی، موجب گرانی و تحمیل فشار به سفره مردم می‌شد، از جمله اقدامات مثبت و قابل تأملی بود که در همین مدت کوتاه اجرایی شد، اما این اقدامات اگرچه معقول و ضروری‌اند، اما کافی نیستند.

اینکه این تصمیم‌سازی‌ها تا چه میزان کافی است و باید کدام حوزه‌ها را در بر بگیرد، بحثی طولانی است، اما واقعیت این است که ما باید بیاموزیم پس از پایان جنگ و در دوران بازسازی خرابی‌ها، چطور تصمیم‌سازی‌های اقتصادی درستی ترتیب دهیم که از دل آن رونق پایدار بیرون بیاید.

بزرگ‌ترین درسی که از جنگ می‌توان گرفت، درس برای دوران پساجنگ است. ما در سال‌های گذشته با دستان خود «امضاهای طلایی» ایجاد کردیم و روندهایی را شکل دادیم که منجر به تحریم‌های داخلی علیه صادرکنندگان و واردکنندگان شد.

ما به اجبارِ جنگ، در حال تمرین کردن هستیم که این موانع را کنار بزنیم و این، خود بزرگ‌ترین درس است. ما به تغییر پارادایم در حوزه تصمیم‌سازی‌های اقتصادی نیاز داریم تا پس از پایان جنگ، بتوانیم با سرعت به سمت توسعه و بازار آزاد حرکت کنیم.

لازم است به خطر «بیماری هلندی» در دوران پس از تفاهمنامه‌ها و آزادسازی منابع ارزی نیز اشاره کرد. اگر فرض بگیریم که مفاد تفاهمنامه‌ها محقق شود و سرمایه‌گذاری‌های کلان به کشور بازگردد، باید به گونه‌ای عمل کنیم که اقتصاد دوباره گرفتار بیماری هلندی نشود.

ورود ناگهانی منابع ارزی، اگر با راهبردهای صحیح همراه نباشد، به جای توسعه زیرساخت، ممکن است صرف واردات کالاهای لوکس شود؛ تجربه‌ای تلخ که در گذشته داشته‌ایم و نباید تکرار شود. ثبات، گمشده اصلی فعالان اقتصادی است. واقعیت این است که فعالان اقتصادی بیش از هر چیز از بی‌برنامگی، عدم ثبات و عدم قطعیت رنج می‌برند.

اگر هم قرار است پولی پس از توافقات احتمالی وارد کشور شود، باید برای توسعه و جبران عقب‌ماندگی‌ها به کار گرفته شود.

نمی‌توان سنی گفت و به مشکلات مردم جنوب اشاره نکرد. این روزها ما فقط از خدا می‌خواهیم که مردم مناطق جنوبی که در خط مقدم این تنش‌ها هستند، از گرما و مشکلات زیرساختی آسیب نبینند و شرایط به ثبات برسد.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت-۲

افول دلار و افول اقتصاد امریکا؟

محمدرضا منجذب

آیا آقایی دلار در اقتصاد جهانی در حال افول است. قبل از پاسخ دادن به این سوال ابتدا باید ببینیم اساسا آقایی دلار به چه معناست و چگونه طی همه این دهه‌ها و سال‌ها محقق شده است؟ ناگفته پیداست مقبولیت دلار در معاملات بین‌المللی منافع زیادی را برای اقتصاد امریکا در پی داشته و خواهد داشت. هنگامی که ارزش دلار کاهش می‌یابد، به منزله مالیاتی است که دولت امریکا غیر مستقیم از شهروندان خود و دیگر کشورهای دنیا دریافت می‌کند، گزاره‌ای که به حق آقایی دلار معروف است. در یادداشت‌های قبلی توضیح داده شده که این مکانیسم چگونه بروز پیدا می‌کند. فرض کنید یک دلار، ارزشی معادل یک کیلو از هر کالایی را داشته باشد. وقتی ارزش دلار نصف می‌شود، اکنون دو دلار معادل همان مقدار کالا است. در فاصله زمانی که امریکا حجم پول خود را گسترش می‌دهد که موجب کاهش ارزش دلار می‌شود، ابتدا با یک دلار یک کیلو کالای معین را می‌خرد و چون طی زمان ارزش دلار کم شده است فروشنده متضرر می‌شود. به عبارت دیگر قیمت کالا برای امریکا نصف شده است و این مالیاتی است که کشوری دیگر به امریکا داده است. امریکا طی سده اخیر ۹۵ درصد ارزش دلار را کاهش داده (حال به دلیل سیاست‌های انبساطی برای مخارج داخلی و بین‌المللی خود و جنگ‌ها و...). این بدان معناست که امریکا ۹۵ درصد هزینه‌های خود را از طریق حق آقایی دلار به راحتی کسب کرده است. حال به سوال ابتدایی بحث برگردیم، آیا آقایی دلار در سطح اقتصاد بین‌الملل کاهش یافته است. پاسخ به این پرسش منفی است. اما روندهای مهمی در حال شکل‌گیری هستند که می‌توانند در بلندمدت، هژمونی دلار را به چالش بکشند. یکی از این چالش‌های جدی موقعیتی است که اقتصاد چین در برابر اقتصاد امریکا شکل داده است. بر اساس برابری قدرت خرید (PPP): چین از سال‌ها پیش و با اختلاف قابل توجهی بزرگ‌ترین اقتصاد جهان است. پیش‌بینی‌ها برای سال ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی چین بر اساس PPP حدود ۴۴.۳ تریلیون دلار و امریکا ۳۲.۳۸ تریلیون دلار خواهد بود. بر اساس تولید ناخالص داخلی اسمی: در این معیار، امریکا همچنان جلوتر از چین است و شکاف آنها در سال‌های اخیر حتی بیشتر هم شده است. به عنوان مثال، در سال ۲۰۲۵، تولید ناخالص داخلی چین به دلار تنها حدود ۶۳ درصد از تولید امریکا بوده که نسبت به اوج ۷۷ درصدی در دوران پاندمی کاهش یافته است. این کاهش عمدتاً به دلیل نوسانات نرخ ارز و تورم بالاتر در امریکا رخ داده است، نه کاهش تولید واقعی چین. بسیاری از موسسات پیش‌بینی می‌کنند که پیشی گرفتن چین در تولید ناخالص داخلی اسمی، اگر هم رخ دهد، در دهه‌های ۲۰۳۰ یا حتی ۲۰۴۰ خواهد بود و این اتفاق به عواملی مانند رشد واقعی، تورم و نرخ ارز بستگی دارد. با این حال، حتی با وجود این، اقتصاد چین به عنوان یک نیروی عظیم در حال رشد است و رشد اقتصادی آن (حدود ۴.۷ تا ۴.۸ درصد در سال ۲۰۲۶) بسیار بیشتر از امریکا (حدود ۲.۳ درصد) است. نقش دلارهای نفتی و «یوان نفتی»: دلار نفتی به چرخه‌ای اشاره دارد که از دهه ۱۹۷۰ میلادی شکل گرفت: نفت به دلار قیمت‌گذاری و معامله می‌شود و درآمدهای حاصل از آن دوباره به دارایی‌های دلاری (مانند اوراق خزانه امریکا) بازمی‌گردد. این چرخه، تقاضا برای دلار را بی‌نهایت تقویت کرده و جایگاه آن را به عنوان ارز ذخیره جهانی تثبیت کرده است. چین با راه‌اندازی قراردادهای آتی نفت به یوان و گسترش روابط تجاری و مالی با کشورهای تولیدکننده نفت، در تلاش برای ایجاد «یوان نفتی» است.

در نهایت، باید به تحول بزرگ‌تری اشاره کرد که فراتر از نفت است. چین در حال تبدیل شدن به یک غول فناوری و تولیدکننده پیشرو در کالاهای با ارزش مانند خودروهای برقی، باتری‌ها و پنل‌های خورشیدی است. این موضوع، مسیر جدیدی برای بین‌المللی شدن یوان ایجاد می‌کند، به گونه‌ای که کشورها برای خرید این کالاها به یوان نیاز پیدا می‌کنند. این تغییر ممکن است در آینده به «یوان فناوری» تبدیل شود، که می‌تواند تأثیر عمیق‌تری بر جایگاه دلار داشته باشد، هرچند که این فرآیند نیز بسیار بلندمدت است. به‌طور خلاصه، اگرچه رشد اقتصادی چین و تلاش برای ایجاد یوان نفتی، تهدیدی برای هژمونی دلار محسوب می‌شوند، اما نظام دلار نفتی و قدرت جذب سرمایه‌های عظیم نفتی توسط امریکا، هنوز ستون‌های اصلی این نظام را پابرجا نگه داشته‌اند و افول دلار، اگر رخ دهد، فرآیندی بسیار تدریجی و بلندمدت خواهد بود.

«تعادل» از نزدیک شدن تجدیدپذیرها به آستانه ۱۰ هزار مگاوات گزارش می‌دهد

خورشید در پیچ و خم تخصیص ارز

عبور ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور از مرز ۵۴۰۰ مگاوات و چشم‌انداز رسیدن به آستانه ۱۰ هزار مگاوات، خبر از جابه‌جایی آرام گسل‌های تولید در صنعت برق ایران می‌دهد. اما عبور از این مرز، پیش از آنکه نیازمند زمین و مجوز باشد، در گرو حل کلان‌مساله‌ای به نام «تامین مالی ارزی» و هماهنگی میان دستگاه‌های متولی اقتصاد و صنعت است. سنگینی بار شبکه برق کشور در سال‌های گذشته، همواره بر دوش نیروگاه‌های حرارتی تشنه سوخت فسیلی بوده است؛ واقعیتی که در فصول گرم سال خود را به شکل ناترازی و در فصول سرد به صورت بحران سوخت مخازن نشان می‌دهد. در چنین اتمسفری، خبر عبور ظرفیت...

صفحه ۳ را بخوانید

هشدار کارشناسان درباره ابرچالش فرونشست

۹۰ هزار کیلومتر مربع ایران در معرض خطر

فرونشست زمین دیگر یک هشدار علمی یا یک دغدغه محدود کارشناسان زمین‌شناسی نیست؛ این پدیده اکنون به یکی از جدی‌ترین تهدیدهای زیست‌محیطی، عمرانی و حتی امنیتی کشور تبدیل شده است. تهدیدی که برخلاف زلزله، بدون لرزش و هشدار ناگهانی رخ می‌دهد، اما می‌تواند خسارت‌هایی جبران‌ناپذیر بر زیرساخت‌ها، ساختمان‌ها، خطوط انتقال انرژی، شبکه حمل‌ونقل و حتی زندگی میلیون‌ها نفر وارد کند. تازه‌ترین هشدارها در نشست تخصصی «فرونشست زمین؛ از شناسایی تا ساخت‌وساز پایدار» که با حضور بیش از ۳۵۰ نفر از مسوولان، متخصصان...

صفحه ۵ را بخوانید

یادداشت-۳

شش دیدگاه کوتاه‌مدت بازارها

علی فراقی

شاید در حال حاضر بزرگ‌ترین پرسش با توجه به نوسانات بالا و پایین بازارها با توجه به اتفاقات سیاسی حاضر مدیریت سرمایه‌های افراد باشد که در مرحله اولیه حفظ آن و پس از آن رشد سرمایه و شناسایی سود مدنظر باشد که البته با توجه به اتفاقات جنگی حاضر اولویت اول در امان نگه داشتن سرمایه با توجه به آثار جنگ باشد.

در حقیقت هر چند برخی بازارها دوست و برخی دیگر دشمن اینچنین وقایعی هستند، اما به هیچ عنوان نباید از هوشمندی بازارها نسبت به اتفاقات غافل بود. در این خصوص به صورت کلی بازار بورس جهت موافق صلح و عدم تنش‌ها و بازارهایی همچون طلا موافق با تنش و درگیری هستند.

موردی که این میان می‌تواند بسیار مهم باشد رفتار حجم نقدینگی در خصوص ورود و خروج پول به بازارهاست و با توجه به عدم تمرکز اکثریت بازارها در یک بخش امکان بررسی آن غیرممکن خواهد بود و صرفا بازاری چون بورس به علت تمرکز آن در یک بخش قابلیت رصد خواهد داشت که در این خصوص می‌تواند توقف ورود نقدینگی یا خروج آن به عنوان یک سیگنال موافق و مخالف در خصوص بازار بورس و دیگر بازارهای مقابل آن باشد.

البته هر چند در همان بازار بورس صندوق‌های درآمد ثابت، صندوق‌های طلا و مسکن و دیگر صندوق‌های قابل معامله را هم با توجه به تمرکز آن در یک بخش می‌تواند تا حدود بسیار زیادی کمک‌کننده در خصوص سیگنال ورود یا خروج باشد. در حال حاضر پس از گذران رفتار پرعرضه چند روزه بازار بورس ناشی از تنش‌های مجدد پس از اتمام بازه آتش‌بس مجدد روز دوشنبه ۲۹ تیرماه شاهد برگشت نشانه‌هایی از ورود پول به بازار بورس هستیم که البته باید گفت با توجه به انتشار برخی خبرهای احتمالی آتش‌بس مجدد منجر به تغییر موضع فروشندگان به سمت خرید و صد البته ورود نقدینگی شده است. در این بین جدای از هرگونه نشانه‌های خبری یا نموداری و هرگونه علت‌های ضعیف و قوی مهم‌ترین پارامتر که انرژی بازارها هم از همان بخش تامین می‌شود، ورود نقدینگی است و در صورتی که این فرآیند دست‌کم طی چند روز کوتاه ادامه‌دار باشد، امکان ساخت یک روند کوتاه‌مدت جنبشی را برای هر بازاری از جمله بورس را خواهد داشت.

ادامه در صفحه ۴

سامانه پیامکی روزنامه تعادل

به شماره ۳۰۰۰۵۳۲۰ در دسترس شماست

مخاطبان عزیز می‌توانند نظرها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.